

تبیین نقش و جایگاه نظارت دولت بر تحقق مؤلفه‌های توسعه پایدار در شهر ایلام*

مجید خوش‌خبر^۱

بشیر اسماعیلی^۲

محمدرضا افشارپرست^۳

چکیده

در دنیای امروز همگام با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و پیشرفت‌های علمی و فناوری، توسعه پایدار به عنوان یکی از اصلی‌ترین معیارها در طراحی فضاهای شهری محسوب می‌شود. مسئله پژوهش حاضر، این بود که آیا نظارت دولت، راه را برای رسیدن به توسعه پایدار در شهر ایلام فراهم می‌کند یا خیر و این نظارت از چه طریقی می‌تواند شهر ایلام را به سمت توسعه پایدار هدایت نماید؟ به نظر می‌رسد که نظارت دولت از طریق مؤلفه‌ها یا زیرمجموعه‌های دولتی و غیردولتی خود، همچون: شهرداری، سمن‌ها و نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست‌محیطی و ... می‌تواند شهر ایلام را برای رسیدن به توسعه پایدار کمک نماید. پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با روش تلفیقی کیفی - کمی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج آن نشان می‌دهند که نقش نظارتی استانداری بر مؤلفه اقتصادی توسعه پایدار با ۹۵ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. بعد از آن نیز مؤلفه اجتماعی - فرهنگی توسعه پایدار با ۹۰ درصد در جایگاه دوم و مؤلفه زیست‌محیطی توسعه پایدار با ۸۷ درصد در جایگاه سوم قرار دارد؛ لذا مقدار همبستگی بین نقش نظارت نهادهای غیردولتی بر روند تحقق توسعه پایدار در استان ایلام، در سطح خطای ۵ درصد، معنادار و قوی است. پیشنهاد می‌شود که تعامل بین سازمان‌های دولتی، همچون: معاونت‌های استانداری و ارگان‌های تحت امر، با سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها)، آگاهانه مدیریت شود تا نتایج حاصل از چنین تعاملی، در خدمت اهداف مشترک هر دو بخش قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار شهری، نظارت نهادی، نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی، دولت - شهر ایلام.

* این پژوهش برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول (مجید خوش‌خبر) است.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

khoshkhabar50@gmail.com

Esmaili@iaush.ac.ir

aghareb@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران



مقدمه

هدف و تلاش بشر از گذشته تاکنون در راستای دستیابی به شیوه‌های نوین برای زندگی کردن و برتری در دنیای مدرن بوده و خواهد بود. ماحصل این کوشش و پیگیری، به وجود آمدن تمدن و بسترهای اولیه پیدایش علوم و تکنولوژی امروزی است. در قرون اخیر، پیشروی تولید علم و تکنولوژی، به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی و رشد روزافزون و نسبتاً پایدار کشورهای مدرن و پیشرفته، به تقسیم شدن جهان به سه قطب کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته منجر شده است. بحث نظارت در جامعه پیشرفته و صنعتی، در چند دهه گذشته، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. هرچند در گذشته نه چندان دور، معنای نظارت و تمرکز بر یک مسئله را تنها آگاهی یافتن افراد از تصمیم‌گیری‌ها می‌دانستند و آن را صرفاً بیانیه‌های یک‌سویه مدیران، خطاب به جامعه در نظر می‌گرفتند؛ اما اخیراً و در دنیای امروز، شرایط متفاوت گشته و در بحث نظارت، مفاهیم جدیدتری از مشارکت مطرح شده و به آن ابعاد گوناگون و تازه‌ای بخشیده است. از جمله این مفاهیم، مفهوم توسعه پایدار است که در دهه ۱۹۷۰ در محافل علمی رشد و نمو یافت و فراگیر شد. رهبران سیاسی کشورهای مختلف به نوعی این موضوع را مورد توجه قرار دادند که توسعه، بدون حفظ محیط زیست و در نظر گرفتن نیازهای انسانی به معنای عام آن پایدار نخواهد بود و دوامی نخواهد داشت. دریافت سنتی از مشارکت و مصادیق آن را می‌توان با دریافت و درک سنتی از حکومت و مدیریت مرتبط دانست. نظارت مردم و سازمان‌های غیردولتی، رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی، ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به تحقق عدالت بین نسلی منجر می‌شود (تواهن و دیگران، ۱۴۰۱: ۲).

بیان مسئله

جامعه نوین شهری با ویژگی‌هایی همچون: نابرابری سطح درآمد، وجود تفاوت در اقتصاد خانوارها، تفکیک و قشربندی اجتماعی گسترده و سازمان‌دهی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جدید، به همراه خواسته‌های گوناگون و پراکنده سیاسی - اجتماعی و مدنی شهروندان، زمینه‌ساز و زیرپایه شکل‌گیری روابط جدید میان آنان و حکومت‌ها شده و مخاطرات و بحران‌های زیست‌محیطی و مشکلات جوامع انسانی، تأثیرات مخربی بر ادامه حیات انسان در زمین داشته است. حال مسئله پژوهش این است که نظارت دولت از طریق ارکان و زیرمجموعه‌های دولتی و غیردولتی خود، چه نقش و جایگاهی در شکل‌گیری توسعه پایدار شهری دارد؟ در پژوهش حاضر، استاندارد ایلام به عنوان پایلوت و راهبر در رابطه با شهر ایلام در نظر گرفته شده است. حال سؤال این است که نظارت دولت (استانداردی) از چه طریقی می‌تواند شهر ایلام را به سمت توسعه پایدار هدایت نماید؟ به نظر می‌رسد که نظارت دولت از طریق مؤلفه‌ها یا زیرمجموعه‌های خود، همچون: شهرداری، سمن‌ها، نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و ... می‌تواند شهر ایلام را برای رسیدن به توسعه پایدار کمک نماید. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که باعث شناخت نهادهایی می‌شود که زمینه تحقق توسعه پایدار در شهر



ایلام را به عنوان مدل پژوهش فراهم می‌کنند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با روش ترکیبی کیفی - کمی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و برای گردآوری اطلاعات و داده‌های آن از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

لاورنس^۱ (۲۰۱۵: ۶۸)، در کتاب «اهداف توسعه پایدار» معتقد است که سلامت و توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و اشتراکات زیادی با هم دارند و اصولی به هم تنیده هستند و سلامت مردم، پایه و اساس صلح و امنیت است. داشتن دغدغه و تبیین دیدگاه‌های جامع در رابطه با توسعه و سلامت، ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را یکپارچه می‌سازد. این ملاحظات در عین حال، با اصول و روندهای مشترک، از جمله: تعهد به برابری و عدالت اجتماعی، پایداری، اقدام بین گروهی و مشارکت عمومی پیوند می‌خورد.

رابرتز^۲ و همکاران (۲۰۰۷: ۱۲۳)، در کتاب «حکومت خوب در اقیانوس آرام» بیان کرده‌اند که «توسعه پایدار با بهتر شدن شرایط زندگی احاد جامعه، از محل زندگی آنها آغاز می‌شود؛ لذا بعد از پشت سر گذاشتن این مرحله است که محیط و شرایط مطلوب اقتصادی یا ایجاد فرصت‌های رقابت‌گونه در تجارت برای کشورها نیز به توسعه پایدار اضافه می‌شود؛ بر این اساس توسعه پایدار از بازیگران داخلی و خارجی تشکیل می‌شود؛ اما بدیهی است که هیچکدام از بازیگران خارجی توان این را ندارند که جایگزین تلاش و کوشش مردم یک کشور در این امر شوند».

آلان بویل^۳ (۲۰۰۱: ۲۸)، در کتاب «حقوق بین‌الملل و توسعه پایدار» گفته است که: توسعه پایدار مجموعه اقداماتی است که با توجه به فلسفه پایداری هدایت می‌شود؛ بنابراین در این نوع از توسعه، اقدامات و فعالیت‌ها به طور مداوم از منظر اصول پایداری، بررسی و واکاوی می‌شود و مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. با این توضیحات محرز می‌گردد که توسعه پایدار توسعه‌ای است که علاوه بر توسعه و تعالی زندگی نسل حاضر، به حمایت از نسل‌های آتی نیز عنایت دارد و براساس آن، شرایط انسانی و وضعیت محیطی و اکوسیستمی به طور هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد.

تواهن و همکاران (۱۴۰۱: ۵۲)، در مقاله‌ای با عنوان «حقوق شهروندی، بستر توسعه پایدار»، به تحلیل و بررسی نقش توسعه پایدار در تحقق حقوق شهروندی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که توسعه پایدار برای تضمین و بیشتر شدن رفاه اجتماعی شهروندان به وجود آمده است و این امر در سایه جلب اعتماد شهروندان میسر خواهد بود که لازمه آن، تبدیل منشور حقوق شهروندی به قانونی فراگیر و قدرتمند، اجرای مؤثر آموزش حقوق شهروندی و آشنایی شهروندان به حقوق و تکالیف متقابل خود در مقابل دولت است.

1. Lawrence

2. Roberts

3. Alan Boyle



سریع‌القلم (۱۳۹۵: ۱۶۳)، در کتاب «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران»، که آن را با هدف تعیین علت توسعه‌نیافتگی ایران نوشته، معتقد است که نداشتن نگاه جامع به زندگی، نداشتن برنامه‌ریزی طولانی‌مدت، تجمل‌گرایی، عدم توزیع عادلانه امکانات و منابع، عدم ظهور و تثبیت اهداف جمعی و نداشتن همگرایی و سرکوب توانمندی و ظرفیت افراد، از موانع رسیدن به توسعه پایدار هستند.

بررسی و تحلیل آثار مذکور نشان داد که منابع خارجی و لاتین بیشتر بر مؤلفه‌ها و ارکان کلی توسعه و بررسی عواملی، از جمله: مؤلفه‌های توسعه پایدار، توسعه و حقوق شهروندی برحسب اعتماد شهروندان و اهداف توسعه پایدار پرداخته‌اند. در منابع داخلی هم، مؤلفه‌هایی همچون: دلایل توسعه‌نیافتگی در جامعه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. جنبه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به منابع بررسی شده، این است که این پژوهش به صورت تخصصی به مؤلفه‌های توسعه پایدار در شهر ایلام پرداخته و استانداری ایلام، به عنوان نماینده دولت، بر آن نظارت داشته است.

تعریف مفاهیم و واژگان

- **توسعه پایدار:** براساس تحلیل و تعاریف نظریه‌پردازان و پژوهشگران، توسعه پایدار مقوله‌ای است که به موجب آن، هر نسلی از انسان‌ها بایستی برای تئوریزه کردن محیط و شرایطی که در آن زیست می‌کند، تلاش و کوشش نماید؛ به شیوه‌ای که در فرایند توسعه جامعه، مصرف منابع طبیعی و محیط زیست به وسیله نسل کنونی، سبب کاهش این منابع برای مصرف نسل‌های آینده نشود؛ لذا در این نگاه، مفهوم فلسفی توسعه پایدار، مبتنی بر فلسفه عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست و محیط اجتماعی‌ای است که انسان در آن زندگی می‌کند (نصرالهی وسطی، ۱۳۹۹: ۳۵۵).

- **توسعه پایدار شهری:** اگر هدف از توسعه پایدار در شهر، استفاده بهینه و اساسی از منابع زیست‌محیطی و طبیعی باشد، این تئوری و پنداشت را می‌توان اقتصادی محسوب نمود؛ زیرا توزیع مناسب و عادلانه، مصرف درست و بهینه منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی، مباحث مرتبط با بعد اقتصادی توسعه پایدار هستند؛ لذا در این مورد، هدف توسعه پایدار، توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی و برقراری عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع است. بر همین اساس، هدف پایداری در اقتصاد را می‌توان رشد عادلانه و متوازن جامعه و محیط انسانی و تضمین بهره‌مندی تک‌تک انسان‌ها از این رشد در طول زمان، بدون وارد آوردن خدشه و آسیب به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی دانست (برزگر و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۵).

- **ظرفیت نهادی توسعه:** ذکر این نکته لازم است که نهادگرایی تنها در قالب روش، رهیافت و نظریه مربوط به مطالعه نهادهای سیاسی و اجتماعی خلاصه نمی‌شود و در



واقع، تحلیل نهادی مفهوم توسعه در مطالعات معاصر علوم سیاسی و مدیریت دولتی، از یک سو، بررسی‌های حقوقی قانون اساسی را شامل می‌شود و از سوی دیگر، قلمرو اداره امور دولتی را در بر می‌گیرد. در توسعه پایدار، یکی از حوزه‌های اصلی‌ای که بر آن تأکید شده و نقشی اساسی در تحقق توسعه پایدار دارد، ظرفیت نهادی توسعه پایدار شهری است (تواهن و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۴).

- **سازمان‌های دولتی توسعه (شهرداری):** شهرداری‌ها به عنوان سازمان‌های نیمه‌دولتی، زیرمجموعه سازمان شهرداری‌ها در وزارت کشور به شمار می‌آیند. در هر شهری، شهرداری به عنوان متولی، با ایجاد فضای مناسب برای رفاه و آسایش ساکنان آن شهر تلاش شبانه‌روزی می‌کند. شهرداری ایلام به عنوان مؤلفه و ارگان زیرمجموعه دولت و استانداری ایلام، با بودجه سالانه عمومی و خصوصی‌ای که دارد، بایستی مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری را به نحو ممکن سازماندهی و اجرا نماید. استانداری به عنوان نماینده و متولی دولت با تبیین نقش و نظارت خود، اولین ارگانی را که زیرمجموعه خود می‌بیند، شهرداری است. شهرداری نیز بایستی برای ایجاد توسعه پایدار شهری با مجموعه استانداری و معاونت‌های آن، همکاری و همراهی داشته باشد.

- **سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (سمن‌ها):** سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها در رایج‌ترین تعریف، به سازمان‌های خصوصی‌ای اشاره دارند که برای ارتقای سطح زندگی و رفع گرفتاری‌ها و آلام مردم ایجاد می‌شوند و در کاهش معضلات اجتماعی، نقشی اساسی بر عهده دارند. این سازمان‌ها در اصل، در ارتباط با شرایط و نحوه ارتباط با محیط اجتماعی‌ای که در قالب آن شکل گرفته‌اند، به وجود می‌آیند؛ بنابراین می‌توان این طور پنداشت که ظهور سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی، از یک سو، واکنشی به شرایط و عوامل اجتماعی و اقتصادی گذشته در رابطه با گفتمان توسعه و ناتوانی دولت‌ها در پاسخ به نیازهای توسعه‌ای جوامع و از سوی دیگر، محصول فعالیت نیروهای سیاسی، تحول در سیاست و ساختارهای نهادی دولت‌ها و سازمان‌های بین دولتی بوده است. سمن‌ها در کشورهای پیشرفته و صنعتی؛ همچنین در کشورهای غیرپیشرفته و در حال توسعه، با شتاب در حال پیشرفت و ترقی هستند. این موضوع سازمان‌ها را به بازیگران مهمی در زمینه رفاه اجتماعی و بازار کار و توسعه پایدار در سطوح شهری و ملی تبدیل کرده است (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷: ۹۴).

- **رشد روزافزون سمن‌ها در ایران:** در اوایل قرن ۲۱ تعداد تقریبی سمن‌های داخلی، فقط در کشورهای در حال توسعه، در حدود ۳۰۰۰۰ برآورد شد. تحقیقات نشان می‌دهند که در ایران نیز تعداد سمن‌ها با شیب نسبتاً تنیدی در حال گسترش است و رشد تصاعدی این سازمان‌ها در چند دهه اخیر چشمگیر بوده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، که خود زمینه‌ای برای مشارکت‌جویی مردم محسوب می‌شود؛ به‌ویژه از اواسط دهه ۱۳۷۰ با طرح مباحثی نظیر جامعه مدنی و شهروندی، موجی از تشکلهای اجتماعی و مدنی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، زیست‌محیطی، زنان و حقوق بشر در ایران



فعال شدند تا مطالبات اجتماعی خود را پیگیری کنند. از مجموع سمن‌های ثبت شده بعد از انقلاب، ۸ درصد تا اواخر دهه شصت، بیش از ۳۲ درصد تا نیمه دهه هفتاد و حدود پنجاه و یک درصد در پنج سال انتهایی دهه هفتاد تأسیس شده‌اند. مرکز آمار ایران پس از آمارگیری خود در سال ۱۳۸۴، تعداد سمن‌های فعال در کشور را در حدود ۷۰۰۰ مورد اعلام کرده است. ظهور سمن‌ها در ارتباط و نسبت با دولت‌ها معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین برای مطالعه در مورد شرایط بقای این نهادها، همواره باید به رابطه آنها با دولت‌ها توجه داشت. در بستر قانون برنامه‌های توسعه کشور نیز می‌توان آیین‌نامه‌های روشن و متعددی را از طرح همکاری سازمان‌های غیردولتی و دستگاه‌های دولتی مسئول یافت. در قوانین مربوط به برنامه توسعه کشور، همواره بر ارتقای مشارکت سمن‌ها از سوی دولت‌ها با هدف فقرزدایی، اعمال حمایت‌ها و ... تأکید شده است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹-۷۷).

- **رسانه‌های جمعی و گروهی:** این رسانه‌ها، مجموعه‌ای از وسایل ارتباطی هستند که عموماً ارتباطی یک‌سویه و یک‌جانبه برقرار می‌کنند. در دنیای امروز با گسترش استفاده روزافزون از اینترنت، رسانه‌های فضای سایبری جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. اینگونه رسانه‌ها مانند وبگاه‌های اینترنتی خبرگزاری‌ها، امکان تعامل مخاطب را نیز فراهم می‌کنند و این امر موجب می‌شود که امکان شناسایی نیازهای واقعی مخاطب برای صاحبان اینگونه رسانه‌ها فراهم شود، توسعه پایدار شهری شتاب بیشتری به خود گیرد و ارگان‌های مسئول مجاب به پاسخگویی شوند (علیدختی، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

چارچوب نظری تحقیق (توسعه پایدار و مدیریت شهری)

از مهمترین نظریه‌های مرتبط با توسعه پایدار و مدیریت شهری، می‌توان به «ماشین رشد»^۱، «رژیم شهری»^۲ و «حکمران شهری» اشاره کرد. در نظریه انتخاب عمومی که عوامل اقتصادی در مبانی آن درونزا تلقی می‌شوند، مشارکت مردمی نیز در مدیریت شهری تا حد زیادی به رقابت‌های بین شهری و توسعه اقتصادی شهرها بستگی دارد. لوگان و مولاج^۳ نویسندگان کتاب اقبال شهری^۴ معتقد هستند که شهر شبیه به یک ماشین رشد است. استفن الکین و کلارنس استون^۵ با الهام از نظریه نخبه‌گرایانه ماشین رشد، نظریه رژیم شهری را مطرح کردند. آنها معتقد هستند که اثرگذاری بر قدرت، از طریق یک فرایند گفتگو و مباحثه انجام می‌شود (موسبرگر و استوکر، ۲۰۰۹: ۶۹). توسعه و مدیریت شهری، قدرت را در شهرها پراکنده و در قالب ترتیبات جمعی برآمده از دولت‌های محلی و بخش خصوصی می‌بیند که توانایی اعمال حکومت با رویکرد تقسیم کار بین دولت و ارگان‌های زیرمجموعه خود، که بر روی آنها نظارت دارد، را برآورده می‌کند (راجرز و همکاران، ۲۰۰۹: ۹۸). از دهه ۱۹۹۰ به بعد،

1. Growth Machine

2. Urban Regime

3. Logan, John and Molotch, Harvey

4. Urban Fortunes

5. Elkin, Stephen and Stone, Clarence



حکمرانی^۱ و به طور مشخص حکمرانی شهری، با الهام از نظریه مدیریت شهری و اینکه گفتگو، تعامل، مذاکره، چندجانبه‌گرایی و چندوجهی بودن، از ضرورت‌های توسعه شهری محسوب می‌شود، اهمیت یافت. شهروندان و گروه‌ها از طریق حکمرانی بر نهادها منافع خود را تأمین می‌کنند، حقوق قانونی‌شان را مطالبه می‌نمایند، به تعهدات خود عمل می‌کنند و تفاوت‌هایشان را بیان می‌دارند. با این اوصاف بایستی اذعان داشت که بانک جهانی و محققان عرصه مدیریت، شاخص‌هایی، مانند حق اظهار نظر و پاسخگویی، مشارکت مردم در امور عمومی، پاسخگویی مسئولان، ثبات سیاسی، کارآمدی حکومت، کیفیت بروکراسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، مشارکت شهروندان، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی، حمایت‌های پارلمانی، پشتیبانی نهادی و دفاع از حقوق بشر را برای حکمرانی معرفی نموده و آنها را بن‌مایه و چهارچوب مدیریت و حکمرانی معرفی کرده‌اند (جهاد، ۲۰۱۶: ۳۵۲).

تحول سازمان‌ها و روند توسعه پایدار

تئوری‌پردازان و تحلیل‌گران، سیر شکل‌گیری و تاریخی تحول سازمان‌های مردم‌نهاد را در قالب چهار موج جهانی بیان کرده‌اند: موج اول: سازمان‌های مردم‌نهاد در جهان، پس از جنگ اول جهانی، در مواقع حساس و بحرانی، بیشترین تأثیر را بر امور خیریه‌ای و امدادسانی داشتند. موج دوم: این موج که بیشتر در دهه ۱۹۶۰ میلادی بروز و نمود یافت، به صورت فزاینده‌ای بر مفهوم توسعه تمرکز داشت و به این نتیجه رسید که مبارزه با تنگدستی و فقر لزوماً از طریق کمک کردن و پرداختن به امور خیریه امکان‌پذیر نیست؛ بلکه از طریق توانمندسازی گروه‌های هدف و آسیب‌پذیر و بالابردن ظرفیت آنها در به‌کارگیری منابع در دسترس ممکن می‌شود. موج سوم: سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی، مقارن با دهه ۱۹۷۰، به این پختگی و پیشرفت رسیدند که موضوع نداری و فقر و نابرابری، ماهیت و زیرسویه‌های سیاسی دارد و از این جهت، برنامه‌های آموزشی توسعه، رابطه‌بازی و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و ایجاد ارگان‌های ملی و بین‌المللی برای خط‌مشی‌گذاری را در دستور کار خود قرار دادند. موج چهارم: در این موج، در مفهوم و معنای توسعه، صف‌بندی نیروهای اجتماعی، تغییر ژئوپلیتیک مفهوم قدرت، ناکارآمدی و بحران در سازمان‌های دولتی و گسترش پدیده جهانی شدن تغییر به وجود آمد، تأثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد به صورت روزافزونی بر تغییرات ساختاری و نحوه اداره امور و اصلاح سیاست‌های دولتی متمرکز شد و ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر احزاب در ایفای نقش و انجام رسالت خود، به شکل‌گیری و ایفای نقش سازمان‌های غیردولتی منجر گشت (راجرز و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۲-۱۹).

نتایج حاصل از پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در ارتباط با مؤلفه‌های توسعه پایدار و مدیریت شهری، حاکی از این است که امواج شکل‌گیری احزاب در راستی شکل‌گیری توسعه پایدار و مدیریت آن بوده است و در راستی پژوهش حاضر نیز همین ویژگی‌ها صدق می‌کند. این پژوهش به نقش نظارت استاندارد ایلام، به عنوان نماینده دولت، بر سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی و زیرسویه‌های آن و تأثیر آن بر توسعه پایدار در شهر ایلام می‌پردازد که این امر همسو با ویژگی‌های موج چهارم است.



یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱)، نتایج حاصل از بررسی رابطه بین نقش نظارت دولتی وابسته به استانداری و هریک از مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه پایدار و مدیریت در شهر ایلام را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۱). آزمون فرضیه‌های اصلی اول

ملاحظات	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مؤلفه‌های سه‌گانه
ارتباط معنادار است	٪۸۷	۰/۰۰۰	زیست‌محیطی
ارتباط معنادار است	٪۹۰	۰/۰۰۰	اجتماعی - فرهنگی
ارتباط معنادار است	٪۹۵	۰/۰۰۰	اقتصادی

همانطور که در جدول بالا مشهود است، مقدار همبستگی بین نقش نظارت دولتی وابسته به استانداری و هریک از مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه پایدار شهر ایلام در سطح خطای ۵ درصد، معنادار و قوی است و این بدان معناست که از دیدگاه پاسخگویان، استانداری نقش نظارتی مهمی بر مؤلفه‌های توسعه پایدار شهر ایلام دارد. با توجه به سطح همبستگی محاسبه‌شده می‌توان اظهار داشت که نقش نظارتی استانداری بر مؤلفه اقتصادی توسعه پایدار با ۹۵ درصد، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. بعد از آن، مؤلفه اجتماعی - فرهنگی توسعه پایدار با ۹۰ درصد در جایگاه دوم و مؤلفه زیست‌محیطی توسعه پایدار با ۸۷ درصد در جایگاه سوم قرار دارد.

نتیجه بررسی داده‌ها: بررسی رابطه بین نقش نظارت دولت در ارتباط با استانداری و هریک از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهر ایلام نشان داد که اولاً رابطه وجود دارد؛ ثانیاً این رابطه در سطح بالایی قرار گرفته است.

جدول شماره (۲)، نتایج حاصل از بررسی رابطه بین نقش نظارت دولتی بر نهادهای غیردولتی همچون سمن‌ها و رسانه‌های جمعی را در روند تحقق توسعه پایدار در شهر ایلام نشان می‌دهد:

جدول شماره (۲). آزمون فرضیه‌های اصلی دوم

ملاحظات	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مؤلفه‌های سه‌گانه
ارتباط معنادار است	٪۸۰	۰/۰۰۰	زیست‌محیطی
ارتباط معنادار است	٪۹۵	۰/۰۰۰	اجتماعی - فرهنگی
ارتباط معنادار است	٪۹۰	۰/۰۰۰	اقتصادی

در جدول بالا، رابطه بین هریک از شاخص‌های سطح سنجش مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه پایدار شهر ایلام با متغیر نقش نظارتی استانداری بررسی شده است.

مقدار همبستگی بین نقش نظارت نهادهای غیردولتی، همچون سمن‌ها و رسانه‌های جمعی بر روند تحقق توسعه پایدار در استان ایلام، در سطح خطای ۵ درصد، معنادار و قوی است.



نتیجه بررسی داده‌ها: بررسی رابطه بین نقش نظارت دولتی نهادهای غیردولتی همچون سمن‌ها و رسانه‌های جمعی بر روند تحقق توسعه پایدار در شهر ایلام با هریک از مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه پایدار شهر ایلام نشان داد که اولاً رابطه وجود دارد؛ ثانیاً این رابطه در سطح بالایی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تجمیع فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها، نتیجه و جمع‌بندی نهایی بدین شرح است: شرایط و زیرسویه‌های توسعه پایدار در شهر ایلام مهیاست؛ اما بایستی نهادهای و مؤسسات دولتی با کمک به سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیرگذاری بر آنها، این سازمان‌ها را در مواقع حساس و بحرانی به کمک بطلبند و امکانات دولتی را علاوه بر اینکه به سازمان‌های نیمه‌دولتی و زیرمجموعه خود از جمله شهرداری تزریق می‌کنند، به سازمان‌های مردم‌نهاد نیز تزریق نمایند؛ چون این سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی نیز از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهر ایلام محسوب می‌شوند. سمن‌های غیردولتی می‌توانند نماینده خواسته‌ها و مطالبات مردمی باشند و به‌صورت سازمان‌یافته‌ای بر سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و ساختار اداره امور تأثیرگذار باشند. تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چنین سازمان‌هایی به‌خوبی از عهده ایفای چنین نقشی برمی‌آیند. از این جهت با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش می‌توان راهبرد توسعه پایدار و تقویت سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی را به عنوان یک راهبرد کارآمد در اجرای نقش نظارت همگانی توصیه کرد. با این حال تعامل بین سازمان‌های دولتی، نظیر شهرداری‌ها که زیرمجموعه استانداری و دولتی است و سازمان‌های غیردولتی همانند سمن‌ها، فرایندی پیچیده و تدریجی است که به عقیده نگارندگان بایستی آگاهانه مدیریت شود تا نتایج حاصل از چنین تعاملی در خدمت اهداف مشترک هر دو بخش قرار گیرد.

پیشنهادهای

- تعامل و همفکری بین مجموعه استانداری و استاندار با معاونت‌های سیاسی، اقتصادی، عمرانی و توسعه.
- تعامل و همفکری بین معاونت‌های استانداری با زیرمجموعه‌های خود به عنوان ارگان متولی و پیش‌برنده توسعه در استان.
- تعامل بین استانداری و معاونت‌های آن با سازمان‌های نیمه‌دولتی و زیرمجموعه خود، همچون شهرداری‌ها.
- تعامل و همفکری مجموعه استانداری به عنوان متولی دولت در استان با سمن‌ها و نهادهای غیردولتی.
- کمک به سازمان‌های غیردولتی در جهت ارتقای اهداف و برنامه‌های آنها با هدف کمک به توسعه پایدار در شهر ایلام.

الف) فارسی

- برزگر، صادق، امیر بخشی و محمد تقی حیدری (۱۳۹۸)، «تبیین پایداری اجتماعی-اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)»، مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۷، صص ۲۳-۱.
- تواهن، احمد، صادق زیباکلام مفرد و یوسف مولایی (۱۴۰۱)، «حقوق شهروندی، بستر توسعه پایدار»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال سیزدهم، ویژه‌نامه، صص ۷۵-۵۲.
- رازقی، نادر و بهنام لطفی خاچکی (۱۳۹۷)، «تحلیل جامعه‌شناختی و چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر رابطه آنها با دولت»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۱، صص ۹۳-۱۲۲.
- سریع قلم، محمود (۱۳۹۵)، عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران، چ سیزدهم، تهران: فرزنان روز.
- ضرغامی، سعید، لیلا معصومی، پرویز آقایی و رحمت‌الله منشی‌زاده (۱۳۹۲)، «توسعه پایدار شهری، موانع، چالش‌ها، فرصت‌ها و راهبردها (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان، شرکت سازه کویر، تابستان، صص ۴۷-۷۹.
- علیدختی، سیف‌الله (۱۳۹۷)، «آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری تهران»، هنرهای زیبا، سال هشتم، شماره ۶۳، صص ۱۵۱-۱۷۸.
- نصرالهی وسطی، لیلا (۱۳۹۹)، «نقش توانمندسازی در تبیین توسعه پایدار (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)»، جامعه‌شناسی ورزش، سال ششم، شماره ۱۵، صص ۳۴۷-۳۷۰.

ب) انگلیسی

- Alan, Boyle (2001). Codification of International Environmental Law and the International Law Commission, Injurious Consequences Revisited, in International Law and Sustainable Development, Alan Boyle and David Freestone (eds.), New York, Oxford University Press,, pp. 298-1.
- Jha, Ashish (2016). Ilona Kickbusch director. Accelerating achievement of the sustainable development goals Lessons from Government Spending on, JBMJ, 2(3), pp.405-352.
- Lawrence, O (2015). The Sustainable Development Goals: One-Health in the world's Development Agend, p.p 187-1.
- Mossberger, Karen and Stoker, Gerry (2009). "The Evolution of Urban Regime Theory the Challenge of Conceptualization". In Urban Affairs Review, Vol. 36, p.p72-48.
- Roberts, Susan M, Wright, Sarah and O'Neill, Phillip (2007). "Good Governance in the Pacific? Ambivalence and Possibility". Geoforum, pp. 280-1.
- Rodgers, Scott, Kitchin, R. And Thrift, N (2009). "Urban Geography: Urban Growth Machine". The International Encyclopedia of Human Geography, Volume 12, p.p 179-1.

منابع و مأخذ